

#### گزارش

### امسال، بدترین سال فوتبال باشگاهی ایران در آسیا

فصل ۲۰۱۴ لیگ قهرمانان آسیا در حالی برگزار شد که نمایندگان ایران روزهای تلخی را در آن سپری کردند. عملکرد نه‌چندان خوب نمایندگان ایران در لیگ قهرمانان آسیا فصل ۲۰۱۴ در حالی رقم خورد که این دوره از رقابت‌ها یکی از بدترین دوره‌ها برای نمایندگان ایران به لحاظ آماری بود. درست است که آمارها نشان از این دارند که در فصل ۲۰۰۹ وضعیت به مراتب بدتر از این فصل بوده اما در آن فصل در گروه پرسپولیس، الشارجه از رقابت‌ها کناره گرفت و به همین دلیل سرخ‌پوشان با ۴ بازی و هفت امتیاز از گروهشان صعود کردند و چه بسا اگر این تیم امرایی در ادامه رقابت‌ها حاضر می‌شد، پرسپولیس با زدن چند گل و گرفتن امتیاز، آمارهای این دوره را بهبود می‌بخشید. - نخستین سالی که نمایندگان ایران در لیگ قهرمانان آسیا با ۴ سهمیه حاضر شدند به سال ۲۰۰۹ باز می‌گردد. در آن سال تیم‌های صبا، استقلال، پرسپولیس و سپاهان نمایندگان ایران در لیگ قهرمانان آسیا بودند. در آن سال استقلال با ۴ امتیاز، پرسپولیس با ۷ امتیاز، صبا با ۵ امتیاز و سپاهان با ۷ امتیاز در گروه‌های خود قرار گرفتند و تنها پرسپولیس بود که از گروهش صعود کرد. میانگین امتیاز تیم‌های ایرانی در آن سال ۱/۰۴ بود. میانگین گل‌های زده نمایندگان ایران در آن فصل ۱/۲۲ بود و در این میان میانگین گل‌های خورده نیز عدد ۱/۳۶ را نشان می‌دهد.

- در لیگ قهرمانان فصل ۲۰۱۰ باز هم ایران ۴ ذوب‌آهن تیم‌های ایرانی حاضر در این رقابت‌ها بودند. مس کرمان با ۹ امتیاز، استقلال با ۱۱ امتیاز، ذوب‌آهن با ۱۳ امتیاز و سپاهان سا ۸ امتیاز در گروه‌های خودشان قرار گرفتند که ۳ تیم نخست به مرحله بعدی راه پیدا کردند. میانگین امتیاز تیم‌های ایرانی در آن سال ۱/۷۰ امتیاز بود. میانگین گل‌های زده تیم‌های ایرانی در این دوره ۱/۴۵ گل در هر بازی بود و در این میان میانگین گل‌های خورده تیم‌های ایرانی هم عدد ۱/۹۵ را نشان می‌داد.

- در لیگ قهرمانان آسیا فصل ۲۰۱۱ باز هم ایران با ۴ نماینده در این رقابت‌ها حاضر شد. استقلال، سپاهان، ذوب‌آهن و پرسپولیس نمایندگان ایران بودند. استقلالی‌ها در آن فصل ۸ امتیاز کسب کردند، سپاهانی‌ها با ۱۳ امتیاز، پرسپولیس با ۵ امتیاز و ذوب‌آهن با ۱۳ امتیاز به کارشان در این رقابت‌ها ادامه دادند که تیم‌های تهرانی راهی به مرحله بعدی پیدا نکردند و تیم‌های اصفهان در ادامه رقابت‌ها حاضر بودند. میانگین امتیاز تیم‌های ایرانی ۱/۶۲ بود و میانگین گل‌های زده آنها ۱/۵۸ بود و میانگین گل‌های خورده این تیم‌ها ۱/۲۰ بود.

- در فصل ۲۰۱۲ لیگ قهرمانان آسیا، تعداد نمایندگان ایران در لیگ قهرمانان سه تیم شد. استقلال، سپاهان و پرسپولیس نمایندگان ایران در این رقابت‌ها بودند که استقلالی‌ها با ۱۱ امتیاز، سپاهان با ۱۳ امتیاز و پرسپولیس با ۱۱ امتیاز در گروه‌های خودشان قرار گرفتند و همگی به مرحله بعدی لیگ قهرمانان راه یافتند. میانگین امتیاز تیم‌های ایرانی در این دوره عدد ۱/۴۶ را نشان می‌داد. میانگین گل‌های زده این تیم‌ها عدد ۱/۷۲ بود و میانگین گل‌های خورده عدد ۱/۶۶ بود.

- در فصل ۲۰۱۳ باز هم تعداد نمایندگان ایران سه تیم بود. استقلال، سپاهان و تراکتورسازی در این رقابت‌ها حاضر بودند و آبی‌پوشان با ۱۳ امتیاز، سپاهانی‌ها با ۹ امتیاز و تراکتورسازان با ۴ امتیاز در گروه‌های خودشان قرار گرفتند و در این میان تنها استقلال بود که به مرحله بعدی راه یافت. میانگین امتیازی نمایندگان ایران در این دوره عدد ۱/۴۴ بود. میانگین گل‌های زده تیم‌های ایرانی عدد ۱/۷۲ را نشان می‌داد و میانگین گل‌های خورده تیم‌های ایرانی ۱/۶۶ بود.

#### واکنش

### همیشه تو را به یاد داریم رفیق!

درگذشت سرمربی سابق بارسلونا احساسات بازیکنان این تیم را برانگیخت.

اریک ائیبال، به خاطر تمام لحظاتی که کنار هم زندگی کردیم، همیشه تو را به یاد دارم، رفیق! آندونی زوبی:زارتا، تقابل با سرطان از تیتو نزد ما شخصیت بزرگی ساخت. باید در کنار خانواده تو، منتس، آدریا و شارلوت باشیم. آنها دوره سختی را می‌گذرانند. ما پداری خوب، همسری عاشق، دوستی خوب و یک بارسلوئیی عاشق را از دست دادیم.

**ویکتور والدس**: تیتو یکی از بهترین مربیانی بود که در دوران بازیگری‌ام داشتم. از تو متشکرم به خاطر اینکه به ما همه چیز دادی.

**کارلس بوپول**: به خاطر همه مسائل داخل و خارج از زمین از تو سپاسگزاریم. هیچ وقت تو را فراموش نمی‌کنیم.

آندرس اینیستا: واقعاً؛ تیتو نامی توانم چیز ی بگویم، افتخار می‌کنم که در بخشی از زندگی با تو بودم. تو هیچ وقت خانواده‌ات را فراموش نکردی. جرارد پیکه: از تو به خاطر همه چیز تشکر می‌کنم. هر چند که خیلی زود رفتی. همه لحظات بزرگی را که در کنار تو بودم، به خاطر می‌سپارم. تو همیشه با ما می‌مانی.

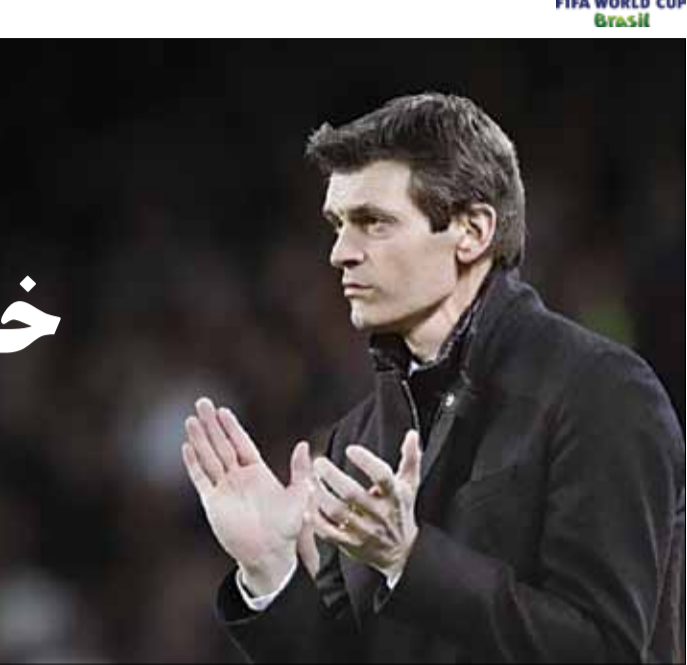
مارک باترسا: تلاش کردم آرزوی دوران کودکی‌ام را تحقق ببخشم. تو همیشه در سر و قلبت قدرت زیادی داشتی که به خانواده می‌دادی.

دنس آلوِس: خدا صاحب همه چیز است و زمان ورود ما را می‌داند. ما با یکدیگر روی زمین دیدار کردیم و وقتی دیدار کردیم، زمان رفتن رسید. ما هیچ چیز نیستیم.



### ادین ژکو

روز شمار جام جهانی



**گروه ورزشی**: سرطان تنها بیماری‌ای است که رویاهای یک انسان را به باد می‌دهد، مقاومت و مبارزه در برهه‌ای از زمان جواب می‌دهد ولی اگر شناس با تو یار نباشد سرنوشتت تسلیم‌شدن مقابل بی‌رحم‌ترین بیماری تاریخ است. مرگ تیتو ویلانوو و انتشار خبرش خیلی دردناک بود، شاید به این دلیل که تیتو به بدشانس‌ترین مربی تاریخ فوتبال اروپا تبدیل شده بود. چندینکبری به‌دست‌آوردن بزرگ‌ترین دستاورد زندگی یک مربی این است که بتواند روی صندلی پرفراخترترین باشگاه اروپا بنشیند، مدام در حال مصاحبه باشد و دوربین‌های عکاسی و تلویزیونی او را رها نکنند. این شانس یک بار به مرد دوم نیمکت بارسا روکسرد، پس از جدایی پپ خیلی‌ها حتی بلور هم نمی‌کردند که مرد سایه‌ها در بارسا به عنوان سرمربی انتخاب شود ولی تیتو در کمال نابوری تبدیل به آقای شماره یک نوکمپ شد اما آنهایی که به خرافات اعتقاد دارند می‌گویند «چشم زخم» خورد که بعد از گذشت مدتی متوجه شد غول خفته سرطان وجودش را بیمار کرده، مردی که تا چند روز پیش به‌خاطر دهان به دهان شدن با مورینیو در اخبار حاشیه‌ها بود، به‌عنوان بدشانس‌ترین سرمربی تاریخ فوتبال اروپا شناخته شده بود. سرطان به تیتو اجازه نداد تا فلسفه تیکی‌تاکا را به روش خودش ادامه بدهد و شاید اگر تیتو دچار این بیماری مهلک نمی‌شد حالا به جای مارتینو روی نیمکت کاتالان‌ها می‌نشست و تا این اندازه هواداران زجر نمی‌کشیدند. ویلانوو در بستر بیماری جان خود را از دست تاجمه فوتبال یک بار دیگر با نوازی به رنگ مشکی تاسف خود را نسبت به این واقعه نشان دهد. تیتو ویلانوو پس از مبارزه طولانی با بیماری سرطان، در سن ۴۵ سالگی درگذشت، اما میراث او در نوکمپ برای همیشه به یادگار خواهد ماند. در چنین زمان‌هایی، فوتبال بی‌اهمیت جلوه می‌دهد. درگذشت غم‌انگیز تیتو ویلانوو در سن ۴۵ سالگی، هر چیز دیگری را تحت تاثیر قرار خواهد داد. کاتالان‌ها که طی هفته‌ها و ماه‌های اخیر با مشکلات متعددی مواجه شده بودند، اکنون همه چیز را فراموش خواهند می‌کرد و احساس می‌کرد در بلندمدت می‌تواند بر

مهاجم بوسنیایی منجستر سیتی معتقد است از بین نیچر به و بوسنی، یک تیم به عنوان تیم دوم به دور بعد

جام جهانی راه خواهد یافت.ادین ژکو مهاجم گلزن بوسنیایی درباره ارزیابی‌اش از گروه این تیم در جام جهانی گفت:

به نظرم آرژانتین تیم اول گروه خواهد بود. ایران نیز تیم خوبی است اما فکر می‌کنم بتوانیم آنها را شکست دهیم.



به بهانه خاموشی تیتو ویلانوو

# خدا حافظ تیتو!



دانش و تخصص دوست لاغراندام خود تکیه کند. آنها فوق‌العاده کار کردند. گواردیولا بر اعتقادات خود راسخ بود و در روزهای ابتدایی کمتر به خود اعتماد داشت. ویلانوو ایده‌ها و راه‌حل‌های تاکتیکی ارائه می‌داد. یک استراتژیست عالی که بعدها توسط آندرس اینیستا لقب «دانشنامه فوتبال» را به خود گرفت. پس از یک فصل موفق در بارسای B، خوان لاپورتا رئیس وقت بارسلونا به این نتیجه رسید که این زوج، ایده‌آل‌ترین گزینه برای جانشینی فرانک ریکارد هستند اما پاسخ گواردیولا چنین بود: «شما امکانات لازم برای انجام چنین کاری را ندارید.» اما لاپورتا مصمم بود و تصمیم گرفت، پپ را به همراه تیتو به تیم اول بارسلونا بیاورد و موفق‌ترین فصل تاریخ باشگاه کاتالان را رقم بزند. سه‌گانه قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا، لالیگا و کوپا دل ری هرگز از آنهاک پاک نخواهد شد. آبی و اناری‌ها پس از آن سوپر جام اسپانیا، سوپر جام اروپا و جام باشگاه‌های جهان را طی ماه‌های بعد به جمع افتخارات خود افزودند و با عنوان «بارسای ۶ جامه» شناخته شدند. یک میراث جاودان از پپ و تیتو به جای ماند. اتفاق دردناک وقتی بود که آدریا پسر ویلانوو (که اکنون در تیم جوانان بارسا عضویت دارد) روز یکشنبه عکسی از پدرش که با تیم در حال جشن گرفتن است در تویترش قرار داد و نوشت: «هن بارسایی با ۶ جام دیدم. آنها فوق‌العاده هستند.» در سال‌های اولیه، ویلانوو از حضور در انتظار و رسانه‌ها خودداری می‌کرد و چهره او پشت چهره رسانه‌بند گواردیولا محو بود اما پس از درگیری در سوپر کاپ اسپانیا ۲۰۱۱ و زمانی که ژوزه مورینیو انگشتش را در چشم کمک مربی بارسلونا فرو کرد، نگاه‌ها به او نیز تغییر کرد. تیتو در فصل ۱۲–۲۰۱۱ که آخرین فصل حضور پپ گواردیولا در بارسا بود، همزمان برای برداشتن تومور در گلویش تحت عمل جراحی قرار گرفت و پس از آن برای مبارزه با بیماری سرطان تحت درمان قرار گرفت. اما زمانی که در سال ۲۰۱۲ گواردیولا گفت برای یک فرصت مطالعاتی بارسا را ترک خواهد کرد، تیتو احساس



<b>کیوسک وطن</b>	<b>کیوسک وطن</b>	<b>کیوسک وطن</b>	<b>کیوسک وطن</b>
<b>مارکا</b>	<b>اسپورت</b>	<b>اسپورت</b>	<b>اس</b>
<b>جنگ تو یک درس بود</b>	<b>تیتو ماندگار</b>	<b>یک مربی بزرگ وانسان خوب</b>	<b>فوتبال گریست</b>
<b>موندو پور تیوو</b>	<b>اسپورت</b>	<b>اسپورت</b>	<b>اس</b>

#### یادداشت

قربانی دیگر در برابر سرطان **مرگ تراژیک ویلانوو**



امید صادق: تیتو بد شناس بود، نخستین یار در زمامداری گواردیولا در گلویش احساس ناراحتی کرد و سخن گفتن برایش سخت شده بود. پزشک‌ها مانند تمام پزشکان دنیا در ابتدا به او امیدواری دادند. می‌گفتند به راحتی قابل درمان است. تیتو هم سرخوش از اینکه بیماری‌اش جدی نیست به نیمکت کاتالان بازگشت و در کنار پپ کبیر به فعالیت می‌پرداخت، آرام و بی‌سر و صدا. کمتر از یک سال بعد رویایی غیرقابل باور جلوی چشمش قرار داشت، سرمربیگری آبی‌وناری‌ها به وی پیشنهاد شد و او بی‌درنگ پذیرفت. فکر بیماری لعنتی را هم نکرد روزهای پرفشار در نوکمپ شروع شد و او بی‌خیال این لعنتی پیش رفت. آنقدر خوب پیش رفت که مورینیو در در نیم‌فصل از کورس رقابت خارج کرد و عملاً در پایان نیم‌فصل نخست لالیگا قهرمان شده بود. او خیلی زود قهرمان شده بود. آقای ویلانوو خیلی زود انتقام انگشت مورینیو را که در چشمش فرو رفته بود گرفت. آقای ویلانوو روی ایرها بود. مگر می‌شد دورانی بهتر از ۴ سال پپ ساخت؟! تیتو توانست. او حالا شماره یک کاتالان‌ها شده بود و کارشناسان او را بهتر از پپ می‌دانستند اما تیتو بدشانس بود. یک انسان فوق‌العاده بدشانس که در آن دنیا باید گلایه کند چرا از سهم شانس مقدار کمی نصیبش شده؛ او که در میانه‌های فصل برای چک‌پک یک هفته‌ای تیمش را رها کرده بود، خیلی زود با تماس پزشکان روبرو شده. آندئا وضعیت آقای ویلانوو را اورژانسی دانستند و درخواست کردند برای درمان باید هر چه سریع‌تر به یک کلینیک فوق‌مجهز خودش را معرفی کند و ترجیحاً به آمریکا نقل‌مکان کند. کاپوس؛ تیتو باید برای حداقل ۲ ماه در حساس‌ترین مقطع فصل تیمش را ترک کند. او ابتدا مخالفت می‌کنند و از دکترش می‌خواهد انتهای فصل برای درماتش اقدام کند.اما پاسخ قابل پیش‌بینی است، شرایط شما خطرناک است! پس به ناچار تیتو قهرمانش را ترک کرد، با اکراه، با نامیدی، با فخر نشان کردن به اقبال بدش! چرا حالا؟ حساس‌ترین مقطع فصل است و تیمم رویایی نتیجه می‌گیرد. یک نیم فصل، ۱۸ برد و یک تساوی!

■ **خدا یا موقع این امتحان نیست!**

تیتو به آمریکا می‌رود، مراحل سخت درمانی آغاز می‌شود، او از دور راه تیمش را تمرین می‌دهد، اما بی‌فایده، تیتو افت وحشتناکی کرده و دستیاران هم هیچ کاری از دست‌شان بر نمی‌آید. تیتو در آمریکا نه توانست با خیال راحت به درماتش بپردازد و نه توانست تیمش را هدایت کند. آبی‌وناری‌ها به یکی از ضعیف‌ترین میلان‌های تاریخ ۴ بر صفر باختند در آستانه بحران وحشتناکی بودند. آقای ویلانوو از دکترش می‌خواهد برای بازی برگشت حاضر شود. تیتو می‌گوید، اما از پاسخ منفی آنها روبرو می‌شود. بالاخره این شیمی درمانی لعنتی پایان می‌پذیرد، اما هیچ چیز مثل سابق نیست، باخت‌های وحشتناک به مادرید عمارت نابی که ساخته شده را به ویرانه تبدیل می‌کند. تیتو بدشانس است. او خودش را به دیدار با بی‌اس‌جی می‌رساند، اما مسی همزمان مصدوم می‌شود. پس پیش به سوی ادامه فصل، انگار زندگی قرار نیست روی خوشی به دستیار سابق نشان بدهد. بایرن مونیخ، لایپسرفر و تمام این کمال نامردی بود، تیتو برای مبارزه با سرطان نیاز به روحیه دارد، اما او تحقیر شد، تحقیری که تا به حال سابقه نداشت. او ماند و یک قهرمانی در رقابت‌های لیگ که در همان نیم فصل آن را به‌دست آورده بود. سرطان همه چیز را از آقای سرمربی گرفت. همه چیز را او جام را با آیبیدال بالای سر برد، اما شاگردش روحیه جنگندگی بالایی داشت، تیتو اما نه، او آرام بود و ماخوذ به حیل از آن دست آدم‌هایی که در زندگی‌شان برای هیچ چیز نمی‌جنگند، او زندگی را با آرامش کامل طی می‌کرد، از حاشیه دور بود، روحیه‌اش لطیف بود. پس برخلاف شاگردش در حال شکست خوردن از این سرتلنی بود که صورت زشت و لجنش را این بار به این بدشانس می‌خواست نمایان کند. ضعیف‌کنشی اصلاً هنر نیست! او قصد داشت فصل بعد هم ادامه دهد و به امید اینکه این بار بتواند عمارتش را تا به انتها بنایی کند که این‌بار آقایی کند، اما… پزشک همیشه بد خبر، به او گفت باید با دنیای فوتبال برای مدتی خداحافظی کند. تومور موجود در غدد لنفاوی آقای سرمربی قصد کوتاه آمدن نداشت و مدام در حال تکثیر بود. به وی اعلام شد وضعیتش خطرناک است و باید وقش را برای درمان بگذارد. او دیگر برای خداحافظی نیامد، یک نامه نوشت و خداحافظ. او به بخت بدش لعنت می‌فرستاد و با همه دنیا قهر بود. درست در جایی که سال‌ها برایش تلاش کرده، در جایی که رویایش است، به ناحق جایش را می‌گیرند. باید برود، بدترین جای زمان… پس از آن خیلی کم تیتو را دیدیم، اما هر دفعه که دوربین‌ها او را شکار کردند تحیف‌تر از بار قبل بود، او خودش می‌دانست وضعیتش اصلاً خوب نیست و در یک روز جمعه، این جمعه‌های اعصاب‌خرد کن، آقای ویلانوو زندگی را با تمام تعلقاتش برود گفت. او حشش نبود. زندگی در ۴۵ سالگی سبهبش را از او گرفت. با جفاکاری تمام. نگاه به سرگذشت تیتو باعث می‌شود بار دیگر لعنت بفرستیم به سرطان. او که جان خیلی‌ها را گرفت، او طعم گس مرگ را در شیرین‌ترین لحظه‌های زندگی یک مرد به کامش نشاناد. نفرین، نفرین به سرطان!